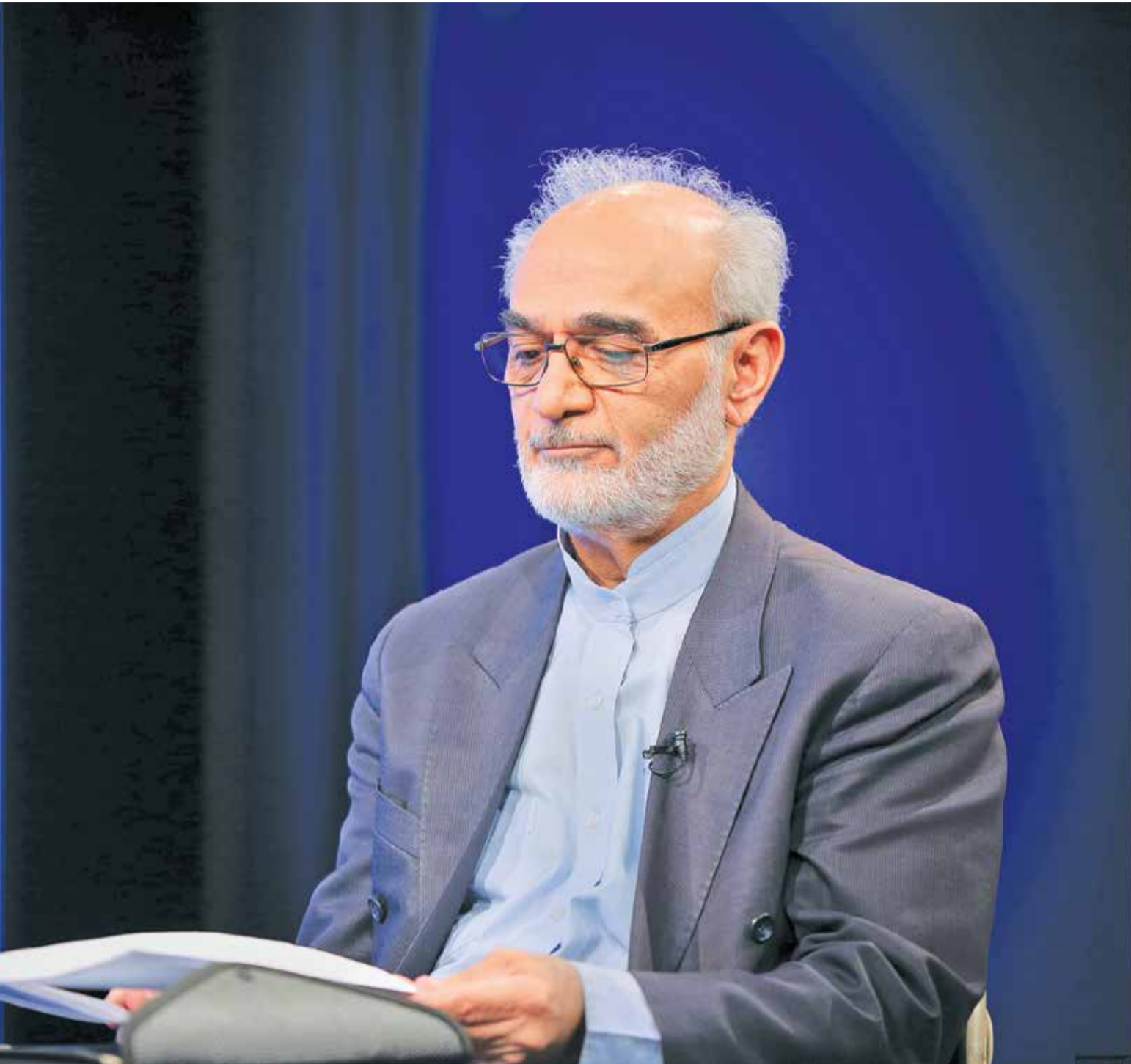


## کتاب

مخالفت لیبرال‌ها با فعالیت  
انجمن‌های اسلامی

بستگی دارد چه دماغی باشد، جنس آن دماغ خیلی مهم است. اگر کسی مسأله‌ای نداشته باشد و عنصری مکتبی، ارزشی و مردم‌دار محسوب شود، قطعاً انجمن‌های اسلامی که از نهادهای مؤثر ابتدای انقلاب بودند از وی حمایت می‌کردند. منتهی مسأله این بود که با توجه به اینکه انقلاب، خود را از قبل آماده و کادرسازی لازم نکرده بود، طبیعی هم بود که برخی از مدیرانش با معرفی و یک شناخت ابتدایی انتخاب می‌شدند. لذا برخی از آنها اصلاً انقلابی نبودند و عملاً با انقلاب و امام زاویه پیدا می‌کردند. مصداق و نظیر مهم آن را شما در برخی از اعضای نهضت آزادی به راحتی می‌توانید مشاهده کنید. قبل از اینکه عضو هیأت مدیره بانک ملت شوم با آقای کارکنان به عضویت شورای کارکنان بانک نیز انتخاب شدم و چون با رأی کارکنان انتخاب شده بودم همه قبولم داشتند. عده‌ای با پدیده شوراها نیز موافق نبودند، بنابراین انجمن اسلامی نمونه خوبی بود تا به آن برچسب زده شود. در شرایطی که نظام اداری ما کارآمدی نداشت انجمن‌های اسلامی البته با سطوح متفاوت از نظر توان علمی و کارایی می‌خواستند با حاکم کردن ارزش‌ها اجازه ندهند کارهای غیرمعارف یا خلاف واقع در سیستم صورت بگیرد که اتفاقاً کارساز بود. مثلاً مرحوم دکتر نجفی علمی دبیرکل انجمن‌های اسلامی وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌ها بود که خود تحصیلکرده و لیسانس اقتصاد دانشگاه تهران و فوق لیسانس مشاوران اداری از دانشگاه شهید بهشتی بود و بعدها دکترا در رشته اقتصاد توسعه گرفت. وی از نظر تجربه کاری نیز سرآمد بود، به علاوه طعم زندان‌های رژیم پهلوی و شکنجه‌های آن را چشیده بود. او در مقطعی نسبتاً طولانی این سمت را داشت و جالب است بدانید با هماهنگی‌هایی که وی با نیروهای ارزشی سیستم اداری برقرار می‌کرد توانست جلوی جریان‌های لیبرالی را که بی‌پروا در زاویه با امام و آحاد مردم گام برمی‌داشتند و در سیستم حکومتی هم بودند، بگیرد.



## افزایش درآمد ارزی در چه حالتی به بیماری هلندی منجر می‌شود؟

افزایش درآمدهای ارزی در هر مرحله، باعث افزایش درآمدهای ریالی و گسترش تشکیلات دولت و افزایش نقدینگی و تورم، ضربه به تولید و سرمایه‌گذاری و ضعف اقتصاد می‌شد. به این اتفاق اقتصادی، بیماری هلندی گفته می‌شود، یعنی یک گشایش موقتی

طی شماره‌های اخیر ایران اقتصادی و در قالب جلد دوم کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران و بیان خاطرات محمدجواد ابروایی؛ وزیر اقتصاد سال‌های ۶۴ تا ۶۸، با حال و هوای نحوه اداره اقتصاد ایران و مسائل مختلف آن دوران هم‌زمان با جنگ تحمیلی آشنا شدیم؛ از حضور نیروهای انقلابی در بدنه مدیریتی کشور تا تحولات نظام بانکی و نحوه شکل‌گیری مدیریت بانک‌ها و بخشی از کابینه دولت مستقر در آن سال‌ها. در این شماره نیز ابروایی

## گزارش

آنها را اکنون به خاطر نمی‌آورم در انجمن‌های اسلامی بانک‌ها حضور داشتند. به هر حال آنها افراد تحصیلکرده و صاحب سبک در حوزه تخصصی خود بودند. البته آن موقع لیبرال‌هایی که در قدرت بودند اصرار داشتند به جامعه القا کنند که اعضای انجمن‌های اسلامی بی‌سواد هستند، منتهی انجمن‌های اسلامی بانک‌ها بویژه بانک مرکزی بیشتر به مباحث فنی می‌پرداختند. به‌عنوان مثال راجع به بانکداری بدون ربا و مباحث مالی و اقتصادی، صاحب ایده و راهکار بودند. حتی در زمان طاغوت در توقف خروج ارز از کشور و سایر موارد نقش‌آفرینی

تحصیل‌کرده و متخصص در رده‌های بالا در شورای هماهنگی انجمن‌های اسلامی بانک‌های کشور، آنها را با سایر انجمن‌ها متمایز می‌کرد. همین تمایز باعث می‌شد انجمن اسلامی بانک‌ها از نهادهای قوی باشند که در حوزه مسائل مالی و بانکی گزارشات متعدد تخصصی تهیه و به مقامات کشور ارسال می‌کردند و بر همین اساس طرف مشورت قرار می‌گرفتند؛ ضمن اینکه افرادی نظیر آقای منوچهری و دکتر مجید قاسمی، آقای علی‌ماجدی، مرحوم دکتر نجفی علمی، شفیع حسینی، وطنی، حسینی کاخکی و ده‌ها نیروی شاخص که اسامی

اولاً مشخصاً رئیس دولت توجه ویژه‌ای به کل انجمن‌های اسلامی داشت. ضمناً اگر نگاهی به اسامی و لیست افراد عضو انجمن‌های اسلامی در بانک‌های کشور بیندازید، می‌بینید که اغلب افراد عضو، تحصیلکرده و متخصص هستند. حضور این افراد

زمانی که برای پست مدیریت وزارت اقتصاد انتخاب شدید شایع شده بود که یکی از دلایل انتخاب شدن شما به عنوان وزیر، حمایت گسترده انجمن‌های اسلامی از شما بود. حتی در جایی خواندم یکی از مسئولان کشور در آن برهه در مورد به وزارت رسیدن شما گفته بود: «انجمن اسلامی دارای نفوذ زیادی بود. حتی آقای عزیزی مدیرعامل وقت بانک ملی وقتی مدیریتمش تمام شد، انجمن قصد داشت یکی از اعضای



کردند و دارای ریشه، سابقه و واجد نگاه ارزشی هم بودند.

● پس دلیل مخالفت‌ها چه بود؟ شواهد نشان می‌دهد طیف روغنی زنجانی و نوریخس با شخص شما و انجمن اسلامی بانک‌ها مخالف بودند.

طرح موضوع انجمن‌های اسلامی صرفاً سرپوشی برای عدم بیان نگرش‌های اقتصادی است وگرنه انجمن‌های اسلامی به صورت مطلق هیچ‌گاه مورد حمایت بنده نبودند، ولی یک واقعیت وجود دارد و آن اینکه افرادی که از بیرون سیستم بانکی وارد سیستم می‌شدند از تخصص و تحصیلات لازم برخوردار نبودند و از شناخت سیستم و تجربه هم بهره‌ای نداشتند و طبیعی است که پایگاهی نداشته و نمی‌توانستند موفق باشند. بهترین راه، انداختن تصبیرها به گردن دیگران بود ولی انجمن‌های اسلامی آن زمان که واجد نیروهای ارزشی، متخصص و باتجربه بودند بدیهی است به صورت طبیعی رشد می‌کردند، کما اینکه بسیاری از آنها بعد از بنده وارد دستگاه‌های اجرایی کشور شده و به دلیل شایستگی‌های فراوانی که از خود نشان دادند سمت‌های مختلف و بزرگی گرفته و منشأ خدمات فراوانی شدند.

● سؤال این است؛ امروز که دیگر انجمن‌های اسلامی نقش و حضور مدیریتی ندارند وضعیت چگونه است و آیا همه چیز اصلاح و مشکلات درست شده است؟

زمانی که علیرضا نوبری رئیس کل بانک مرکزی بود انجمن‌های اسلامی به واسطه ارتباطاتی که با دولت و مجلس داشتند معتقد بودند سیستم بانکی هنوز متحول نشده و نیازمند اصلاحات و تغییرات گسترده است. برای همین در آن مقطع نیروهای انجمن اسلامی

عضو هیأت مدیره بانک ملت شدم. در آن فضا و شرایط تنها بودم. اکثر نیروهای انقلابی به من می‌گفتند: «به تنهایی نمی‌توانی کاری از پیش ببری. تا آبرویت نرفته، استعفا بده و از سیستم مدیریت بیرون بیا.» چون از خودم مطمئن بودم به دوستانم می‌گفتم: «من نقطه ضعفی ندارم که بخواهم از بابت آن نگران بوده یا پا پس بکشم. برای همین تا آخر کار خواهم ایستاد.» خداوند هم خیلی به من کمک کرد. تکنوکرات‌های بانک هم با مشاهده رفتار حرفه‌ای من با بنده همراه شدند. من اصولاً اعتقادی به تضاد بین نیروهای مکتبی و متخصص که ابتدای انقلاب بنی‌صدر به نام دعوای تخصص و تعهد راه انداخته بود، نداشتم.